



تهیه و تنظیم:

علیرضا حائری

دبیر سابق انجمن صنایع نساجی ایران

و کارشناس صنعت

راز عظیم ماندن برنامه‌های توسعه صنعتی در ایران

چندین سالی است که برنامه‌های متعدد و متنوع توسعه صنعتی توسط مراکز علمی و غیر علمی کشور با صرف وقت و هزینه‌های گزاف تهیه، تدوین، رونمایی و به مرحله اجرا گذاشته می‌شود اما پس از چندی یا به طور کل به کناری گذاشته می‌شود و یا بازنگری‌های اساسی در آن صورت می‌پذیرد به نحوی که هیچ تشابهی با برنامه اولیه ندارد.

از زمانی که برنامه توسعه صنعتی توسط اساتید دانشگاهی معتبر مانند دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه صنعتی شریف تدوین شد تا برنامه توسعه صنعتی در دولت دهم که در سال ۹۲ رونمایی گردید و آخری آن هم که تحت نام «سند راهبردی صنعت، معدن» در سال ۹۴ رونمایی گردید و در اسفند ۹۵ هم اصلاح گردید، بیش از بیست سال می‌گذرد، لیکن هیچکدام با موفقیت کامل و اقبال عمومی روبرو نشدند و با تغییر هر دولت و حتی هر وزیر و یا معاون وزیری دستخوش تغییرات اساسی و بنیادی گردیده و سپس کار از نقطه قبلی مجدداً آغاز شده است؛ به تازگی هم وزیر دوازدهم برای تصدی پست وزارت صنعت، معدن و تجارت هم در جلسه دفاع از برنامه‌های خود در مجلس شورای اسلامی، خبر از تکمیل و احیای سند استراتژی توسعه صنعتی داد.

خلاصه اینکه هر وزیری فارغ از برنامه‌های اجرا شده قبلی و بنا به میل و سلیقه خود، نسخه‌ای برای توسعه صنعتی کشور می‌پیچد و نتیجه‌اش این است که امروز همگان شاهد آن هستند. برنامه‌هایی که دارای اهداف بلند پروازانه بوده و اغلب بدون مشورت و نظرخواهی از فعالان بخش‌های مختلف صنعتی و در اتاق‌های در بسته تهیه شده و فاقد جایگاه قانونی محکمی بوده و به راحتی کنار گذاشته می‌شود و به همین دلیل است که معمولاً نیز به سرانجام مطلوبی نمی‌رسند. به عنوان مثال به برخی از اهداف آخرین برنامه

رونمایی شده در دولت یازدهم (ویرایش اسفند ۹۵) و اهداف تعیین شده برای سال ۹۶ (سال آغاز به کار دولت دوازدهم) و سال ۱۴۰۰ (سال پایانی دولت دوازدهم) نگاهی می‌اندازیم:

برخی اهداف سال ۱۳۹۶

۱- ارزش صادرات غیرنفتی: ۱۰۳ میلیارد دلار
۲- ارزش صادرات صنعتی و معدنی: ۶۱ میلیارد دلار

۳- سرانه صادرات غیر نفتی: ۱۲۰۰ دلار

۴- سرانه صادرات صنعتی و معدنی: ۷۰۰ دلار

۵- نسبت صادرات به واردات بخش صنعت و معدن: ۹۸ درصد

و چند شاخص دیگر که در برنامه هدف‌گذاری شده است.

صادرات غیرنفتی سال ۹۵ بالغ بر حدود ۴۳ میلیارد دلار بوده و صادرات صنعتی کشور نیز در حدود ۳۱ میلیارد دلار و بسیار بعید است که این ارقام در سال ۹۶ چنان جهشی نماید که بتواند به هدف تعیین شده نزدیک هم بشود.

متأسفانه سال جاری که سال پایانی دولت یازدهم و سال آغازین دولت دوازدهم می‌باشد، هیچکدام از وزرای قبلی و جدید صنعت، معدن و تجارت به دلیل عدم حضور کامل در این سال در مسند وزارت، پاسخگوی چرایی عدم دسترسی به اهداف این سال نخواهند بود.

ای کاش به نحوی برنامه‌ریزی شود که اسفند ماه هر سال، ماه پایانی دولت قبلی باشد و فروردین ماه، سال آغاز به کار دولت جدید، تا شروع بکار دولت جدید نیز مترادف با آغاز سال و آغاز اجرای بودجه سالیانه و همچنین آغاز برنامه‌های توسعه‌ای پنج‌ساله باشد و هر مسئولی نیز پاسخگوی کامل عملکرد خود در آن سال باشد.

برخی اهداف سال ۱۴۰۰

۱- ارزش صادرات غیر نفتی: ۱۳۰ میلیارد دلار

۲- ارزش صادرات صنعتی و معدنی: ۸۴/۵ میلیارد دلار

۳- سرانه صادرات غیر نفتی : ۱۴۵۰ دلار

۴- سرانه صادرات صنعتی : ۹۴۰ دلار

۵- نسبت صادرات به واردات بخش صنعت و معدن : ۱۰۵ درصد

همانگونه که از هدف‌گذاری انجام شده استنباط می‌گردد؛ صادرات غیر نفتی کشور باید طی ۵ سال آینده از رقم فعلی ۴۳ میلیارد دلاری به رقم ۱۳۰ میلیارد دلار برسد، یعنی جهشی معادل ۹۰ میلیارد دلار در طی ۵ سال و افزایشی ۱۸ میلیارد دلاری در هر سال .

برای رسیدن به این هدف باید رشد ترکیبی سالیانه صادرات غیر نفتی معادل ۲۵ درصد باشد که البته دست نیافتنی نیست ، اما تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که با این روش برنامه‌ریزی‌ها و نحوه حمایت از توسعه صادرات غیر نفتی، قابل حصول نیست.

فراموش نکنیم که افزایش صادرات غیر نفتی سال ۹۵ نسبت به سال ۹۴ فقط معادل ۲ تا ۳ درصد بوده است و هنوز نتوانسته ایم رکورد صادرات غیر نفتی سال ۹۳ که معادل ۵۰ میلیارد دلار بود را تکرار کنیم؛ همچنین باید در سال ۱۴۰۰ (۵ سال دیگر) به صادرات ۸۴ میلیارد دلاری در بخش صنعت و معدن دست پیدا کنیم که با صادرات ۳۱ میلیارد دلاری سال ۹۵، در حدود ۵۳ میلیارد دلار فاصله داریم که آن هم افزایشی ۱۰ میلیارد دلاری در هر سال را طلب میکند که نیاز به برنامه‌ریزی دقیق‌تر و حمایت‌های همه جانبه از صنعت صادرات محور دارد و البته دستیابی به آن تا حدودی غیر ممکن می‌نماید.

سایر شاخص‌ها و اهداف تعیین شده در برنامه راهبردی صنعت هم در همین حدود سیر کرده و بیشتر آرمان‌گرایانه می‌باشد؛ اما سوال اینجاست که چرا چنین برنامه‌های با صرف هزینه و وقت بسیار زیاد تهیه ، تدوین و رونمایی می‌گردد، بدون اینکه هیچکدام به سرانجامی قابل قبول

برسد؟! چرا این برنامه‌ها مرتب دستخوش تغییرات، ویرایش، بازنگری و حتی کنار گذاشته می‌شوند؟! چرا با هر تغییری در رأس دولت و یا وزارتخانه و حتی در بدنه وزارتخانه ، این برنامه‌ها مورد بازنگری و بعضاً حذف و تعدیل می‌شوند؟! با نگاهی به وضعیت تهیه و تدوین این قبیل برنامه‌ها در سایر کشورهای توسعه یافته و یا در مسیر توسعه، می‌توان به جواب این سوالات دست پیدا کرد.

در این قبیل کشورها، معمولاً احزاب سیاسی فعال وجود داشته و همین احزاب، در انتخابات شرکت کرده و نهایتاً مسئولیت تشکیل دولت‌ها را بر عهده می‌گیرند، در این کشورها، هر برنامه توسعه‌ای اعم از صنعتی و یا کشاورزی، معدنی و به تصویب تمامی احزاب و جریان‌های فعال کشور رسیده و سپس رونمایی و به مرحله اجرا در می‌آید ، لذا هر تغییری که در بدنه سیاسی کشور اتفاق بیفتد و هر حزبی که بر سر کار بیاید، قبلاً این برنامه را دیده، در جریان تهیه و تصویب آن نقش داشته و خود را موظف به اجرای آن می‌داند، لذا با هر تغییری در دولت و یا بدنه دولت و با تغییر هر وزیری، این قبیل برنامه‌ها دستخوش تغییر و بازنگری و احياناً لعن و نفرین! قرار نمی‌گیرد و همگان و تمامی احزاب خود را موظف به اجرای آن می‌دانند. به همین دلیل است که یک برنامه مثلاً توسعه‌ای بیست ساله به صورت تام و کمال به مرحله اجرا در می‌آید، در حالیکه در این مدت بیست سال شاید بیش از ده دولت مختلف با گرایش‌های مختلف سیاسی هم روی کار آمده باشد، اما در برنامه‌های توسعه صنعتی و غیر صنعتی کشور مزبور خللی ایجاد نمیشود و اگر هم نیاز به بازنگری در هر برنامه‌ای باشد باز هم با اجماع عمومی تمامی فعالان سیاسی کشور انجام می‌گردد و هیچ مسئولی حق ندارد بصورت انفرادی و یا سلیقه ای برنامه ای را تغییر داده و

یا لغو نماید.

در کشور ما نیز که فعلاً چنین شرایطی وجود ندارد، پیشنهاد می‌شود که این قبیل برنامه‌های توسعه‌ای که توسط وزارتخانه‌های ذیربط تهیه می‌شود، توسط نهادهای بالاتر مانند هیأت دولت و مجلس شورای اسلامی به صورت مشترک تصویب شده و در قالب قانون به نهادهای مربوطه ابلاغ گردد تا به راحتی و به صورت سلیقه‌ای قابل جرح و تعدیل نبوده و احياناً تعطیل نشود.

چگونگی نظارت بر تحقق اهداف :

به منظور اجرای دقیق برنامه‌ها پیشنهاد می‌شود که نظام ارزیابی عملکرد مسئولین کشور، تدوین و به دقت مورد اجرا گذاشته شود و هر مسئولی موظف باشد تا نسبت به عدم اجرا و عدم تحقق برنامه‌ای تعیین شده و اعلام شده پاسخگو باشد صرف دادن چندین شعار تبلیغاتی برای کسب رای اعتماد و هدف گذاری برنامه‌هایی که قابلیت اجرا نداشته و معمولاً عمر اجرای آن برنامه نیز بیش از عمر مسئولیت آن فرد است، نافی مسئولیت آن فرد نمی‌باشد.

اینجاست که وظیفه نظارت منتخبین مردم در مجلس شورای اسلامی بر عملکرد مسئولین و نحوه تحقق اهداف اعلام شده توسط ایشان، نمود ملموس‌تری پیدا می‌کند. همچنین بر اصحاب رسانه است که با رصد مستمر فعالیت مسئولین و تطبیق آن با برنامه‌های اعلام شده، وظیفه پرسشگری خود را به نحو احسن انجام دهند.

در چنین حالتی است که نه کسی می‌تواند به دلخواه خود برنامه‌های توسعه‌ای کشور را تغییر داده و یا معطل نماید و نه کسی می‌تواند اهدافی را در برنامه‌های خود اعلام نماید که قابل دستیابی نبوده و بیشتر جنبه شعاری و کسب رای اعتماد داشته باشد.